قصه‌ها

چشم‌هایش

مریم پیمان

● «دارین میرین؟ می‌دونم که دارین میرین». صدایش که هیچ، چشمان ترش در خاطرم نشسته است. «میشه نرین؟!» کوچک‌ترین عضو خانواده است، اما محمد به‌جای همه اعضا برایم حرف زد، خندید و گریه کرد. هفت سال دارد و این روزها می‌دانم با لوازم‌التحریر اندکی که برای او برده بودم، راهی کلاس اول شده است. مدادها و خودکارهایم را دانه‌دانه در جایشان می‌چینم. «رنگ آبی را بیشتر از همه رنگ‌ها دوست دارم. رنگ آسمان و دریاست». زیر دندان، حسرت مدادها و خودکارهای متعددی را مزه می‌کنم که هر سال در کشوهای میز تحریر بیشتر می‌شوند و در اسباب‌کشی‌ها هربار بدون استفاده باری می‌شوند. حرف‌های پسرک در خاطرم نمانده است. اگر هم می‌خواستم، از میان واژگان غلیظ این پسرک کرمانشاهی، چیزی دستگیرم نمی‌شد. من مبهوت نگاه باهوش، جذاب، خندان و مهربان او شدم و بس. وقتی رسیدم، هیچ‌کس در خانه انتظار میهمان را نداشت و عموی محمد در غیاب پدر چهار یتیم دعوت کرد تا به خانه او بروم، اما من برای دیدن فرشته، زنی با چهار فرزند خردسال و غمی عمیق، رفته بودم.

باورم نمی‌شود که در مرکز یک استان چنین خانه‌هایی مسکونی است. راه دور بود و خانه عجیب مخروبه و بزرگ! عمو و زن‌عمو و چند روز دیگر هم فرزند آنها همراه با خانواده کوچک فرشته زندگی می‌کردند. بودن آنها امنیت فرشته و چهار یتیم بود. فرشته جوان بود، اما جوان نمی‌نمود. لبخند می‌زد، اما شاد نبود. سخن می‌گفت، اما حرف نمی‌زد. محمد پشت پرده مخفی شد و با لبخند و شیطنت کم‌کم همه وجود من را تسخیر کرد. از همه فرزندان فرشته پرسیدم؛ از میلاد و معصومه و زینب. معصومه فقط ۱۳ سال داشت و زینب ۱۱ سال، اما پذیرایی گرم آن دو تنها در چای و تعارف خلاصه نشد. لبخند قند چای و اشک هم پهلوی یاد پدرشان بود. فرشته از مشکلات زینب در یادگیری گفت و کنارنیامدن او با فضای مدرسه‌های عادی که او را خانه‌نشین کرده است. از میلاد خبری نبود. گفتند ۱۲ ساله است و مرد خانه. به روستای پدری رفته بود تا آخرین روزهای تعطیل در کنار بستگان باشد. «این چه رنگی است؟» عرق سر بر تنم نشست. وقتی محمد، رنگ‌ها را به‌سختی تشخیص داد و کتاب‌ها و دفترها را به چشم‌هایش نزدیک کرد تا شاید بهتر ببیند. مشکل بینایی او نیاز به هزینه و درمان دارد. او از رؤیاها و شادی‌هایش می‌گفت و من در کابوس چشم‌های ضعیف او لب‌هایم را به خنده وامی‌داشتم. در برخورد با یک کودک هنوز نمی‌دانم باید چه گفت و پرسید. بااین‌حال، من غریبه را بی‌جواب نمی‌گذارند و با ذوق از رؤیاهایشان می‌گویند؛ یکی از مادرشدن، دیگری از معلمی و محمد از شغل آینده‌اش. پسرک بی‌نهایت شیرین است؛ «کامپیوتربازی». همه غم‌هایم را فراموش می‌کنم، وقتی او می‌خندد و رؤیایش را تشریح می‌کند؛ «در مغازه همراه مشتریانم با کامپیوتر مشغول بازی می‌شوم». دوربین عکاسی‌ام را از دستم می‌گیرد. کمی بررسی می‌کند؛ « بزرگ شدم، عکاسی هم می‌کنم». به فرشته نگاه می‌کنم؛ غم و شادی دوگانه بازی چشم‌های اوست.

حاشیه‌نشینی، سرطان صنعت گردشگری ایران

زهرا احمدی‌پور*

«گردشگری» و تصور دولت‌ها از آن در چند دهه اخیر راهی پرفرازونشیب پیموده است. از موضوعی فرعی، کم‌اهمیت و حتی در بخش‌هایی مخل امنیت در دهه ۷۰ تا فعالیتی صرفا فرهنگی و مرتبط با اوقات فراغت در دهه ۸۰ تا «پدیده‌ای اقتصادی» که می‌تواند رؤیای درآمدی پایدار، سبز و جایگزین نفت را عملی کند در دهه ۹۰. داستان این تغییر و تحول در نگاه سیاسی به موضوع «گردشگری» هرچند خود موضوع جذابی است که می‌توان ساعت‌ها درباره آن سخن گفت، ولی بهتر است از آن بگذریم و با تکیه بر تصوری که هم‌اکنون در سطوح بالای سیاسی در مورد این پدیده وجود دارد و آن را راه برون‌رفت کشور از اقتصاد تک‌محصولی و درمان ابرچالش‌های بی‌کاری، تراز منفی تجاری و... می‌دانند، به این پرسش پاسخ گفت که گردشگری در ایران سال ۱۳۹۶ چه وضعی دارد و برای آنکه درمان دردهای مزمن اقتصادی کشور باشد، چه راهی باید بپیماید.

وضعیت گردشگری ایران در بعد ساختار حاکمیتی آن با وجود تمامی تلاش‌های غیرقابل‌انکاری که در سال‌های اخیر برای توسعه آن انجام شده، به شکل خلاصه چنین است: ساختار ستادی متورم دولتی و شبه‌دولتی، ساختار اجرائی نامنظم و به دور از برنامه بلندمدت و میان‌مدت منسجم در سطح ملی و منطقه‌ای و ناتوان از ایفای نقش مهم هماهنگی بین‌دستگاهی.

گردشگری ایران در دو دهه و نیم گذشته با وجود اشکالات ساختاری پیش‌گفته در شاخص‌های مختلف آن با شتابی ملایم دارای رشد بوده است. توصیف اشکالات ساختاری به معنای نفی ماهیت «رشد» در این صنعت نیست بلکه اشکالات ساختاری مانند تمرکز بلاوجه امور تصدی‌گری در دست دولت، فقدان برنامه ملی، ضعیف‌نگه‌داشتن تشکل‌های مرتبط بخش خصوصی از سوی مدیران دولتی و شبه‌دولتی و دخالت مؤثر در انتخابات تشکل‌های بخش خصوصی و موضع‌گیری‌های آنها، تأثیرگذاری اندک در ایجاد هماهنگی با وزارتخانه‌های دیگر برای توسعه زیرساخت‌ها، نبود اجماع در میان افراد مؤثر در نظام سیاسی در مورد «چگونگی توسعه گردشگری» و... سبب شده است رشدی که در سال‌های اخیر در صنعت گردشگری اتفاق افتاده، عموما «رشد خودبه‌خودی» و «نامتوازن» باشد. شوربختانه باید گفت رشد خودبه‌خودی پدیده‌ای خطرناک است. توسعه گردشگری در هر نقطه از جهان تابع مکانیسم‌های اقتصادی و سیاسی و تابع عرضه و تقاضاست.

این مهم می‌تواند مانند توسعه یک شهر به دو گونه رخ دهد. شهر تهران را در نظر بگیرید؛ توسعه شهر تهران هم می‌تواند با برنامه و براساس نقشه جامع شهری که توسط متخصصان شهرسازی تدوین شده است، واقع شود و هم می‌تواند خودبه‌خودی رشد کند. حاشیه‌نشینی که معضل طاقت‌فرسای شهرهای بزرگ کشور ما در شرایط فعلی است، نمونه رشد خودبه‌خودی و بی‌برنامه است. در حقیقت رشد شهری رخ داده است ولی چون بی‌برنامه بوده، معضلاتی ایجاد می‌کند که دیگر منحصر به بی‌قوارگی معماری شهری و نبود امکانات زیرساختی و... نیست بلکه معضل مازاد این پدیده خود را در قالب بزه‌های مختلف و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی گوناگون هم نشان می‌دهد که درنهایت هزینه اصلاح آن چندین برابر هزینه‌ای است که با مصروف‌داشتن آن در زمان مناسب و با برنامه مدون می‌شد شهر را گسترش داد. هم‌اکنون پدیده «حاشیه‌نشینی» گریبان گردشگری کشور را گرفته است. نتیجه رشد خودبه‌خودی و بی‌برنامه فعلی، خود را از یک سو در قامت تنوع‌نداشتن مقاصد و زمان گردشگری، نبود زیرساخت‌های مناسب در بسیاری از نقاط در کنار توسعه زیرساخت در چند مقصد محدود بدون نیازسنجی و آمایش، ایجاد ساختارهای غیرشفاف در اعطای مجوزها و درجه‌بندی‌ها و تراز منفی گردشگری خروجی به ورودی و در سوی دیگر در قامت تخریب گسترده محیط زیست و آثار فرهنگی و تاریخی، ازبین‌رفتن تنوع فرهنگی به‌عنوان یک عامل جذب گردشگر در مقاصد ویژه، تلفات جانی و مالی و... نشان می‌دهد. در حقیقت رشد خودبه‌خودی فعلی نه‌تنها شوق‌انگیز نیست بلکه مانند سرطانی است که اگر به‌موقع درمان نشود، تمامی ویژگی‌های منحصربه‌فرد کشورمان را برای جذب گردشگر داخلی و خارجی از بین خواهد برد.

سخن‌گفتن از چشم‌انداز نویدبخش گردشگری برای احیای اقتصاد ملی امری نیکوست ولی برای آنکه گردشگری در ایران درمان آلام اقتصادی باشد، به چیزی بیش از سخنرانی نیاز است. برای آنکه گردشگری کشور از بحران حاشیه‌نشینی فعلی خارج شود، با ایجاد اجماعی همگانی در سطح کلان، کارهایی باید انجام شود که نهایتا بتوان از نوشداروی گردشگری کشور برای این سهراب بر زمین افتاده استفاده کرد؛ تدوین استراتژی‌های توسعه گردشگری براساس مدل آمایش سرزمینی و توسعه امکانات نهاد متولی گردشگری برای هماهنگی همه دستگاه‌های ذی‌مدخل در کنار تدوین برنامه‌ای ملی که همه جنبه‌های فرهنگی، تاریخی و اقتصادی این امر را دربر بگیرد، همچنین چابک‌سازی بخش دولتی گردشگری و واگذاری گسترده امور تصدی‌گری به بخش خصوصی مرتبط و کوتاه‌کردن دست دولت و شبه‌دولتی‌ها در بخش خصوصی و محدودشدن نقش دولت در توسعه گردشگری به چهار مأموریت: سیاست‌گذاری کلی، توسعه زیرساخت، هماهنگی و نظارت.

در کشور ما که پتانسیل جذب گردشگر آن در شرایط فعلی تنها متکی بر آثار تاریخی و تنوع فرهنگی و زیست‌محیطی است، وقتی هنوز حفاظت و مرمت آثار تاریخی، تقویت تنوع فرهنگی، حفاظت از محیط زیست و احیای بافت تاریخی شهرها در ذهن و تصمیم افراد مؤثر در نهادهای عمومی و تقنینی و اجرائی امور هزینه‌زا و ضدتوسعه قلمداد می‌شوند، یعنی هنوز نتوانسته‌ایم اجماعی عملیاتی برای توسعه پایدار گردشگری ایجاد کنیم. وقتی هنوز حاضر نیستیم از حلاوت و شیرینی مسمومِ «اقتدار دولت» در سرنوشت بخش خصوصی گردشگری بگذریم، یعنی هنوز با توسعه پایدار گردشگری فاصله داریم. همگی باید به داد سرطان «حاشیه‌نشینی در گردشگری کشور» برسیم.

***رئیس سابق سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری**

تاب‌آوری جامعه با نظام چندلایه تأمین اجتماعی

علی حیدری

رئیس‌جمهوری محترم، در هفته گذشته با اقدامی بدیع ضمائم احکام وزیران دولت دوازدهم را ابلاغ کرد. ضمیمه حکم وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی شامل یک مقدمه و هشت اولویت عمومی و ۱۰ اولویت تخصصی است. در ارتباط با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این ضمیمه حکم از آنجا اهمیت می‌یابد که لایحه تعیین شرح وظایف این وزارتخانه که در سال ۹۱ از ادغام سه وزارتخانه «تعاون»، «کار و امور اجتماعی» و «رفاه و تأمین اجتماعی» تشکیل شد، از پنج سال پیش تاکنون به مجلس شورای اسلامی ارائه شده اما هنوز به تصویب نرسیده است و بالطبع ضمیمه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که با امضای رئیس‌جمهوری به او ابلاغ شده است، می‌تواند بیانگر نگاه رئیس‌جمهوری و دولت دوازدهم به این وزارتخانه باشد و راه را بر هرگونه تفسیربه‌رأی از سخنان رئیس‌جمهوری محترم ببندد.

در اولویت‌های عمومی ضمیمه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مقولات اساسی نظیر: لزوم ارتقای سلامت اداری، شفافیت مالی و اطلاعاتی، صیانت از بیت‌المال، قانونمندی، شایسته‌سالاری، مدیریت تعارض منافع، رعایت حقوق شهروندی، حفاظت از محیط زیست، رفع امتیازات خاص و انحصارات، ایجاد فضای رقابتی، دولت الکترونیک و به‌کارگیری زنان و جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی در مناصب پرداخته شده است که برای تمامی وزرا مشترک است.

اولویت‌های تخصصی ۱۰گانه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عبارت‌اند از:

۱- اجرای سیاست‌های فعال بازار کار، مشوق‌های بیمه‌ای، ارتقای مهارت و تمرکز بر قابلیت‌های منطقه‌ای در رسته‌های کسب‌وکار متناسب برای ایجاد اشتغال‌های انبوه و اجرای برنامه‌های اشتغال عمومی به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه وزارتخانه.

۲- اصلاح وضعیت مالی صندوق‌های بازنشستگی در جهت تقویت خوداتکایی و کاهش اتکا به بودجه عمومی از طریق اعمال اصلاحات ساختاری، تغییر در نظام بنگاه‌داری و ترکیب سرمایه‌گذاری‌ها و اصلاحات در حکمرانی صندوق‌ها.

۳- ارتقای شفافیت درآمدها، هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و سایر فعالیت‌های سازمان تأمین اجتماعی.

۴- توجه به معیشت کارگران و افزایش توانمندی آنها.

۵- ساماندهی بخش تعاون با تأکید بر کاهش ناکارآمدی در بنگاه‌های تعاونی، ادغام تعاونی‌ها و ایجاد تعاونی‌های فراگیر منطقه‌ای و ملی با تکیه بر اقتصاد صرفه‌مقیاس و بهره‌گیری از تجارب تعاونی‌های بزرگ و موفق بین‌المللی.

۶- اصلاح عملکرد بیمه‌های درمان در مسیر هدفمندکردن، کاهش هزینه‌ها و نقش‌آفرینی بیمه‌ها در زمینه ارتقای بهداشت و پیشگیری و ممانعت از تحمیل هزینه‌های درمان نامتعارف بر شهروندان.

۷- اجرای الگوی ارائه‌شده در برنامه و خط مشی دولت دوازدهم برای رفع فقر مطلق و کاهش آسیب‌های اجتماعی.

۸- اجرای نظام تأمین اجتماعی چندلایه.

۹- توجه ویژه در ارائه خدمات به معلولان و کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست.

۱۰- واگذاری بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی.

در اولویت‌های تخصصی ضمیمه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مقولات فقر و محرومیت، آسیب‌های اجتماعی، کار و اشتغال، تعاون و نظام چندلایه تأمین اجتماعی پرداخته شده است ولی وزن اولویت‌های مرتبط با حوزه رفاه اجتماعی و به‌ویژه مرتبط با صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی و به‌ویژه وزن بخش اقتصادی آنها در قیاس با سایر ابعاد مرتبط با حوزه عمل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشتر است. به‌این‌ترتیب که از بین ۱۰ اولویت تخصصی یک اولویت مربوط به بخش تعاون، دو اولویت مربوط به بخش کار و هفت اولویت مربوط به بخش رفاه اجتماعی است و در بخش رفاه اجتماعی نیز صرف‌نظر از بند هشت یعنی «اجرای نظام تأمین اجتماعی چندلایه» که کلان است، یک اولویت مربوط به بیمه‌های درمان، سه اولویت مربوط به بیمه‌های بازنشستگی و دو اولویت مربوط به امور حمایتی است و در بخش بیمه‌های بازنشستگی نگاه غالب در اولویت‌ها مربوط به بخش سرمایه‌گذاری و اقتصادی آنهاست.

اما در این میان باید بندهای ۱، ۴، ۵، ۷ و ۸ که ناظر بر بسط اشتغال عمومی، تعاون، توجه به معیشت کارگران و ارتقای توانمندی، رفع فقر مطلق و کاهش آسیب‌های اجتماعی و شکل‌دهی نظام تأمین اجتماعی چندلایه است را گرانیگاه و مرکز ثقل اولویت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دانست. متأسفانه هفته گذشته شاهد برخورد با کارگران شرکت‌های هپکو و آذرآب اراک بودیم. کارگرانی که قربانی خصوصی‌سازی غیراصولی در دولت قبل شدند و اگر نبود کمک‌ها و مساعدت‌های سازمان تأمین اجتماعی قطعا این بحران زودتر از اینها ظهور و بروز می‌یافت. بی‌شک آن‌دسته از کارگران هپکو و آذرآب که الان دچار مشکل دریافت‌نکردن حقوق نیستند، حتما دارند از سازمان تأمین اجتماعی مقرری بیمه بی‌کاری می‌گیرند یا با سوءاستفاده کارفرمای مربوطه از قوانین بازنشستگی زودرس (سخت و زیان‌آور، نوسازی صنایع و...) بازنشسته شده‌اند و دارند از سازمان تأمین اجتماعی مستمری دریافت می‌کنند. جالب است که عده‌ای از متولیان سابق و لاحق وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت امور اقتصادی و دارایی که وضع امروز اقتصاد و صنعت کشور ماحصل عملکرد آنها است و الان با امتیازاتی که گرفته‌اند، به‌عنوان فعال اقتصادی یا عضو یا سمپات تشکل‌های صنفی کارفرمایی حضور دارند، باز هم تیغ تیز انتقاد خود را نصیب سازمان تأمین اجتماعی می‌کنند. عده‌ای که در وزارتین صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصادی و دارایی بر اثر رویکردهای سیاسی، شخصی و جناحی نسبت به صدور پروانه صنعتی، مجوز شهرک صنعتی، مجوز واردات، اعطای تسهیلات بانکی و... اقدام یا مبادرت به خصوصی‌سازی غیراصولی و اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای غلط کرده‌اند و صنعت و اقتصاد کشور را به این وضع رسانده‌اند، حال برای صنعت و اقتصاد اظهار نگرانی می‌کنند...

ادامه در صفحه ۱۷

نگاه

آسیب‌شناسی رفتارهای خودسرانه دربافت تاریخی میبد

تیغ هندی در کف زنگی مست

عبدالعظیم پویا
پژوهشگر و فعال میراث فرهنگی

● فرهنگ و دارایی‌های فرهنگی در میان مردم با اینکه مربوط به همگان و یک ثروت عمومی و همگانی است، معمولا در هنگامه‌ها و آغاز معرکه‌ها مظلوم و بی‌یاور می‌ماند، چراکه ویژگی بارز تجاوز به عرصه‌های تاریخی و فرهنگی، تبانی و دورویی و به‌کارگیری ابزارهای مخرب «تیغ هندی» و عناصر بی‌خرد «زنگی مست» در روندی شتابناک است؛ چنان شتابی که همه، از جمله دوستداران شهر و اهل فرهنگ و حتی دستگاه‌های اداری و قضائی و پلیس هم مجال و توان چندانی برای بازدارندگی این خشونت‌ها ندارند. به‌عنوان نمونه، تخریبی که چند سال پیش در محوطه تاریخی «مازاری» مهرجرد میبد این شهر که یکی از نمونه‌های نادر شهرهای باستانی ایران است و بسیاری از پدیده‌های شهری قدیم و بازمانده‌های بناهای کهن را می‌توان در آن تشخیص داد، صورت گرفته، با چنان خشونتی همراه بود که در دو ساعت با تیغ لودرهای سنگین، آن کارخانه چندکاره و کم‌نظیر و یادگار صنایع سنتی و معماری ویژه در کنار دژ تاریخی مهرجرد به زمینی مسطح بدل شد. آخرین و تازه‌ترین مورد این تجاوز و تخریب‌ها که بدون هیچ ضرورت و نیاز و هیچ اعلام قبلی، شبانه و با شتابی خاص در ساعات سکوت و آرامش شهر یعنی دو تا پنج بامداد در اطراف مسجد بارجین صورت گرفت، نمونه بارزی از دهن‌کجی این عناصر مخرب به ضوابط قانونی در بافت‌های تاریخی شهری است که عنوان افتخارآمیز نخستین شهر ثبت‌شده در فهرست آثار ملی ایران را دارد. این در حالی است که چند هزار متر زمین بلامصرف در پیرامون آن وجود داشته که هرگونه توجیه تخریب را منتفی می‌کند. گفتنی است که تجاوز به محوطه‌های تاریخی و مذهبی که مردم با آنها انس و الفت دیرینه دارند، کار آسانی نیست و اگر قرار بود این ویرانگران تنها گوشه‌ای از این آثار را به دست خود تخریب کنند، موانع قانونی، اجتماعی و روانی چندی آنان را باز می‌داشت؛ به همین دلیل این کژرفتاری‌ها اصولا در فرصت‌های غیرمتعارف یعنی ایام تعطیل و دور از چشم مسئولان قانونی و در موقعیت‌های هیجانی و جوعوامی‌گری و معمولا با سرعت‌های غیرمتعارف انجام می‌دهند. بنابراین اقدامات تخریبی آنان، از همان آغاز، ماهیت غیرقانونی و مجرمانه دارد و آنان با علم به این خلافکاری‌ها معمولا از عناصر ناآگاه و بی‌خبر (رانندگان تراکتور، بیل مکانیکی، کامیون و...) و پاره‌ای افراد همیشه‌حاضر سوءاستفاده می‌کنند و امید و وعده‌هایی نیز انگیزه این خلافکاری‌ها می‌شود.

تکرار این‌گونه رفتارهای غیرمدنی که اخبار آن امروزه سریعا در رسانه‌ها فراگیر می‌شود، تصور ناروایی در مجامع بیرون برانگیخته که میبدیان را مردمانی محله‌گرا، خودکامه و... ارزیابی کرده‌اند حال آنکه این رویدادها درواقع پیامد تغییرات اقتصادی- اجتماعی در دو دهه اخیر و آسیب‌هایی است که از دیدگاه جامعه‌شناسی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ روند شتابان رشد اقتصادی در میبد و نیز صنعتی‌شدن ناگهانی این شهر بسیار کهن و نسبتا کوچک بدون مدیریت کارآمد و آینده‌نگری و تدوین برنامه‌های آمایش سرزمین، همان‌گونه که زیست‌بوم منطقه را از حیث زیست محیطی دچار چالش‌های بنیادی کرده است، عرصه زندگی اجتماعی و فرهنگی را نیز دستخوش تنش‌هایی کرده که همه‌روزه جلوه‌های آن را در آیینه زندگی مردم می‌بینیم.

جدول ۲۹۳۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کامل نشده- به سن بلوغ رسیده- گرو گذاشتن ۲- وارونه‌اش خوب نیست!- خدای هندو- معادل فارسی اخطاریه ۳- دریاچه‌ای در مرز قزاقستان و ازبکستان- دانش بررسی عوارض سطح زمین- فتنه جو ۴- نفوذ تدریجی آب- نویسنده فرانسوی نمایش‌نامه خسیس- شب‌های عربی ۵- رفت‌وآمد زیاد- اضطراب و نگرانی ۶- اصرار بر انجام کاری- عنوانی احترام‌آمیز برای زنان- ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی فرد ۷- ترمز چارپا- یک حرف و سه حرف- افسار- قسمت مهم و اساسی هر چیز ۸- بازیگر خانم فیلم تابستان داغ ۹- مقابل- کثیف و نامرتب- واحد اندازه‌گیری سرعت صوت- پیش درآمد آشغال ۱۰- از آفات درختان میوه- مردار- نان کلفت ۱۱ - فروفرستادن- یار ویس ۱۲- به نرمی رفتارکردن- عارضه‌ای در دستگاه گوارش- خار ۱۳- رب‌النوع خورشید در مصر باستان- روستای گردشگری رامسر- روز بعد ۱۴- برتری- لقب وزیران دوره قاجار بود- آب شرعی ۱۵- خالص- بیماری ویروسی جانوران گوشتخوار- ترانه خواب کودک.

عمودی:

۱- از روی بی‌اطلاعی- سومین سوره قرآن ۲- اسب خالدار- طبخ غذا- زد و خورد ۳ - رودی جاری در خراسان شمالی- امتداد- از اندام گفتاری ۴- صندلی تشریفاتی- مقر حکومت مارشال پتن- محصل هنرستان ۵- صد مترمربع- مونث- فضای بین دو خط ۶- دور افتاده- شهر جنوبی ایتالیا که بهشت تابستانی گردشگران است- پدر آذری ۷- شکست خورده- فضای جلوی عدسی چشم را پر می‌کند ۸- بارکش- ناپاکی- در بیان علت به کار می‌رود ۹- ضربه‌ای با پا- پدر علم تاریخ ۱۰- پوست درخت خرما- وسایل مورد نیاز- بیماری بیرون‌روه ۱۱- فتنه و آشوب- پایداری در انجام کاری- آش ۱۲- شکلی هندسی- غذایی قدیمی شبیه آبگوشت- موی آراسته ۱۳- چاشنی غذایی- از نام‌های خداوند- نوعی میمون ۱۴- کاشف سیاره اورانوس- اسب اصیل و تندرو- زاپاس ۱۵- نگاه‌کردن- به آخرین فرزند خانواده می‌گویند.

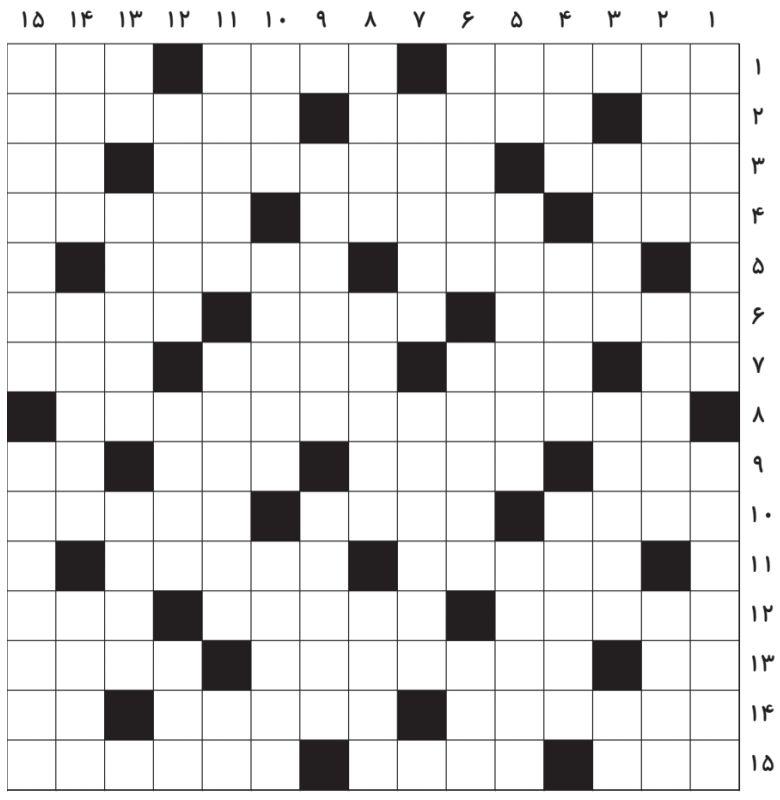

حل سودوکو سخت

۸	۳	۴	۹	۶	۵	۱	۲	۷
۶	۱	۷	۲	۸	۴	۳	۹	۵
۹	۵	۲	۳	۷	۱	۴	۶	۸
۵	۷	۸	۴	۱	۲	۶	۳	۹
۲	۶	۳	۸	۹	۷	۵	۴	۱
۴	۹	۱	۶	۵	۳	۷	۸	۲
۱	۲	۶	۵	۳	۸	۹	۷	۴
۳	۸	۵	۷	۴	۹	۲	۱	۶
۷	۴	۹	۱	۲	۶	۸	۵	۳

حل سودوکو ۱۹۲۶

۶	۵	۲	۳	۸	۱	۴	۷	۹
۱	۷	۸	۹	۲	۴	۵	۶	۳
۴	۳	۹	۶	۷	۵	۱	۲	۸
۳	۱	۶	۵	۹	۸	۷	۴	۲
۲	۸	۴	۷	۳	۶	۹	۱	۵
۷	۹	۵	۱	۴	۲	۳	۸	۶
۵	۲	۷	۴	۶	۳	۸	۹	۱
۸	۴	۱	۲	۵	۹	۶	۳	۷
۹	۶	۳	۸	۱	۷	۲	۵	۴

جدول ۲۹۳۰

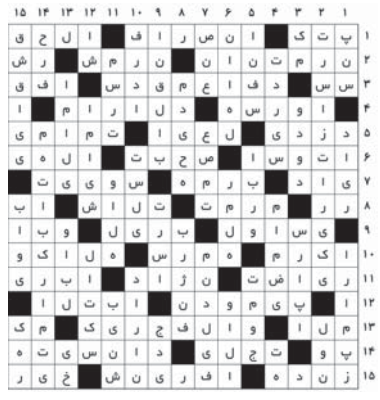

سودوکو سخت ۱۹۲۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۴			۶	۹		
۲							۶	۳
		۶				۸		۲
۵		۹	۱			۷		
۶		۱		۷	۵			
				۳	۸		۵	
					۱	۴	۷	
۱					۷		۸	۹
	۴				۳		۲	

سودوکو ۱۹۲۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲	۸	۷			۳			
۱	۵	۴			۶	۳		
۶			۱		۲	۴		۸
	۳	۵		۹		۶		
۷			۳	۶		۹		
۹	۱				۴		۵	
۵	۲	۹	۶		۷			
۳	۷	۸	۴	۱				
۴		۱			۸			